

بررسی الگوهای اخلاق زیست محیطی از منظر آرا و رویه های قضایی در نظام بین الملل

^۱ سید حسین موسوی

^۲ سید باقر میرعباسی

^۳ محمود باقری

چکیده

امروزه، وخامت بحران های زیست محیطی تا حدی است که حیات انسان و سایر موجودات بر کره خاکی را به مخاطره انداخته است. به همین دلیل، مبانی نظری تعیین کننده تعامل انسان با طبیعت، از جمله اخلاق، مورد توجه علاقه مندان به محیط زیست می باشد و تبیین نظریه اخلاق زیست محیطی از منظر آرا و رویه های قضایی در نظام بین الملل، از ضروریات حفاظت و بهره برداری از محیط زیست جهانی محسوب می گردد. اخلاق زیست محیطی رایج، بر طیفی از مبانی ارزش ذاتی قرار دارند که انسان محوری و زیست بوم محوری، دوسر آن را تشکیل می دهند. در مقاله حاضر سعی شده است تا دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با توجه به دو پرسش اساسی اخلاق درباره «محیط زیست جهانی» و «رویه های قضایی بین المللی» تشریح شوند و نشان داده شود که چرا تبیین اخلاق زیست محیطی مبتنی بر دیدگاه نظام حقوقی بین المللی، دیدگاهی جامع تر برای حفاظت از محیط زیست می باشد. از همین رو، در سال های اخیر فاکتورهای اخلاقی در حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان بخشی از نظم عمومی اجتماع بین المللی مورد توجه قرار گرفته است و همچنین به نحو فزاینده و برجسته ای با عملکرد دیوان بین المللی دادگستری ارتباط پیدا کرده است.

واژگان کلیدی

اخلاق زیست محیطی، حقوق بین الملل، دیوان دادگستری، محیط زیست، حق بشری، آلودگی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

Email: Hosain.mosavi20@yahoo.com

۲. استاد، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: mirabbassi@parsilo.com

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: Mahmood31@hotmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۹/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۶

طرح مسأله

استفاده از ملاک‌ها و اصولی که خصوصیات کیفی سیاست‌ها و برنامه‌های یک کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و سایر حوزه‌ها را در قالب داده‌های کمی ارائه دهد، همواره به عنوان یکی از مسائل اساسی و مهمترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان، سیاست‌مداران و پژوهشگران بوده است که این کار با استفاده از شاخص‌هایی صورت می‌گیرد. شاخص‌ها معمولاً از نظریه‌ها، نگرش‌ها و یا موقعیت‌ها سرچشمه می‌گیرند و مانند علائمی مسیر و جهت حرکات را مشخص می‌کنند. به همین دلیل طی سال‌های گذشته تدوین شاخص‌ها در حوزه‌های مختلف برای اندازه‌گیری و سنجش عملکرد کشورها خصوصاً حوزه‌های اقتصادی بسط و گسترش یافته و مدت‌های طولانی است که در سطوح ملی و بین‌المللی ملاک مقایسه کشورها محسوب می‌شوند. اما بزودی مشخص شد که این شاخص‌ها قادر به تبیین ابعاد مختلف توسعه نبوده و تصویر گمراه‌کننده‌ای از توسعه ارائه می‌دهند. به همین دلیل بازنگری در این شاخص‌ها در کانون توجه بسیاری از دولت‌های جهان بویژه کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفت.

با بسط و توسعه پارادایم توسعه پایدار در دهه ۹۰ موضوع تدوین شاخص‌های توسعه پایدار و سنجش کشورها بر اساس این شاخص‌ها بیش از گذشته مطرح شد. به همین دلیل در فصل چهارم دستور کار ۲۱ بر تدوین و بسط شاخص‌های توسعه پایدار و استفاده از آن‌ها برای سنجش و اندازه‌گیری توسعه پایدار تاکید شده است. پس از تصویب دستور کار ۲۱ در سال ۱۹۹۲، همواره یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در این خصوص این موضوع بوده است که چگونه می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌های کشورهای مختلف را برای دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت آنان به سمت توسعه پایدار اندازه‌گیری کرد. با تشکیل کمیسیون برانت لند و کنفرانس سران زمین، برای توسعه شاخص‌های پایداری و همچنین روش‌های سنجش آن‌ها، تلاش‌های زیادی به عمل آمده و بعضاً نیز به موفقیت‌های قابل قبولی در برخی از حوزه‌های توسعه پایدار، خصوصاً حوزه‌های اقتصادی بدست آمده است، با این حال به دلیل نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جوامع مختلف تا مدت‌ها اجماع کاملی در مورد شاخص‌های توسعه پایدار و روش‌های سنجش و اندازه‌گیری آن‌ها وجود نداشت، لیکن با برگزاری کنفرانس ریو ۲۰+ در سال ۲۰۱۲ این موضوع در دستور کار قرار گرفت.

پیشینه شاخص‌های سنتی توسعه

اندازه‌گیری و سنجش میزان توسعه همواره به عنوان یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی و توسعه و همچنین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده

است. زیرا هر کشوری می‌خواهد بداند که جایگاه آن در مقایسه با سایر کشورها از نظر توسعه یافتگی و رشد اقتصادی چگونه بوده و روند‌های آن نیز طی سال‌های گذشته چه سمت و سوی داشته است. به همین دلیل نیز در خلال سال‌های گذشته تلاش‌های بسیار زیادی از سوی صاحب‌نظران برای اندازه‌گیری توسعه در قالب شاخص‌های متعدد صورت گرفته است که پیشینه برخی از آن‌ها به بیش از چند قرن می‌رسد.

از بعد محیط زیست، این شاخص‌ها فقط میزان فعالیت‌های اقتصادی را در یک جامعه نشان می‌دهند و به پیامدهای فعالیت‌هایی که باعث افزایش تولید ناخالص داخلی یا درآمد ملی شده‌اند، توجه ندارند، زیرا در بسیاری از موارد علیرغم افزایش قابل ملاحظه تولید ناخالص داخلی یا درآمد ملی، کیفیت محیط زیست به شدت نقصان یافته و سرمایه‌های طبیعی و محیط زیستی مستهلک می‌شوند. به عنوان مثال، تولید ناخالص کشور چین در خلال سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است، اما از کیفیت محیط زیست این کشور در این مدت به شدت کاسته شده و با چالش‌های جدی در این زمینه مواجه است. به طور خلاصه روش‌های سنجش و اندازه‌گیری توسعه بر اساس رویکرد‌های اقتصادی که مدت‌های طولانی در چارچوب حساب‌های ملی (SNA) مبنای سنجش شاخص‌های اقتصادی در جهان بوده است، دارای کاستی‌های فراوانی بوده و تصویر گمراه‌کننده و بعضاً اغراق‌آمیزی از توسعه کشورها ارائه می‌دهد.

پیشینه شاخص‌های توسعه پایدار

پس از برگزاری کنفرانس سران زمین در سال ۱۹۹۲، موضوع تدوین شاخص‌های توسعه پایدار و سنجش و اندازه‌گیری این شاخص‌ها به عنوان یکی از مهمترین موضوعات مطرح شد که در نهایت در فصل چهارم دستور کار ۲۱ بر این موضوع تاکید شد. در مقدمه فصل چهارم عنوان شده است که هر کشوری در عرصه توسعه پایدار به مفهوم کلی آن یک رایه‌کننده و مصرف‌کننده اطلاعات قلمداد می‌شود. لذا این اطلاعات می‌بایست در قالب مفاهیم توسعه پایدار تدوین شوند تا بتوان از آن‌ها در برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها استفاده کرد. دستیابی به یک نظام جامع گردآوری و ارزیابی داده‌ها، تقویت و توانمندسازی ملی و بین‌المللی در زمینه جمع‌آوری، تحلیل و استفاده از داده‌ها در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، اشاعه اطلاعات و قابل دسترس کردن آن‌ها برای کلیه ذی‌نفعان از جمله اهداف این فصل عنوان شده است. در پاسخ به این درخواست، کمیسیون توسعه پایدار (CSD) در سال ۱۹۹۵ تشکیل شد. پس از تشکیل کمیسیون، برنامه کاری برای شناسایی و تدوین شاخص‌ها با همکاری سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و نخبگان کشور‌های مختلف جهان از طرف کمیسیون مزبور ارائه شد. در نوزدهمین جلسه نشست عمومی سازمان

ملل متحد در سال ۱۹۹۷ و مقارن با ارزیابی نتایج پنج ساله مصوبات سران زمین، مجموع‌های از شاخص‌ها برای پایش توسعه پایدار ارائه شد. این گزارش که به عنوان برنامه کاری کمیسیون توسعه پایدار در خصوص شاخص‌های توسعه پایدار تهیه شده بود، اطلاعات تفصیلی در مورد شاخص‌های توسعه پایدار، نحوه سنجش و طبقه‌بندی آن‌ها ارائه داد. پس از جمع‌بندی و اخذ نظرات اعضای شرکت‌کننده در اجلاس، مقرر شد تا این شاخص‌ها در برخی از کشورها مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد.

اهمیت یافتن موضوعات مربوط به محیط زیست و توسعه پایدار

روابط حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل محیط زیست، یک رابطه تعارض‌دراهداف اما تلاقی در عمل است. هدف یکی مفعنعت اقتصادی شخصی و هدف دیگری منافع بشری جمعی است، اما قلمرو اجرای هر دو حقوق مربوط به یک محیط است. این دو شاخه از حقوق بین‌الملل، خارج از نظام کلاسیک حقوق بین‌الملل که نظامی دولت محور استقابل تعریف استچرا که حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری به روابط اقتصادی میان بازیگران دولتی و بازیگران غیردولتی می‌پردازد که خارج از اصل برابری حاکمیت‌ها عمل میکنند و دیگری به میراث مشترک بشریت و جامعه بین‌المللی در کل مربوط میشود که خارج از اصل رضایت دولت عمل می‌کند. از نگاه تیزبین نویسنده دیگری، این پیشرفت و ارتقاء نتیجه وقوف دانش بشری به همبستگی مسائل زیست‌محیطی و توسعه پایدار جوامع است.

رویه قضایی و حفاظت از محیط زیست

خوشبختانه در سالهای اخیر موج آگاهی‌های مربوط به اهمیت محیط زیست، پهنه کشورهای در حال توسعه را نیز فرا گرفته و در کنار سازمانهای دولتی یاد شده، مردم آن کشورها هم منفرداً یا مجتمعاً در راه پاسداری از سلامت محیط زیست و جلوگیری از فعالیتهای مخرب آن، تلاش می‌کنند. اما بدیهی است که در یک روند مسالمت‌آمیز، به ثمر نشستن این تلاشها صرفاً در گرو همکاری محاکم دادگستری خواهد بود. به عبارت دیگر، با قاطعیت می‌توان گفت که بدون همراهی قوه قضاییه، فعالیتهای سازمانهای دولتی و غیردولتی محافظ محیط زیست، ثمربخش نخواهد بود. بر همین اساس در شب برپایی اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی) در سال ۲۰۰۲ میلادی، «گردهمایی جهانی قضات» متشکل از ۲۱ قاضی ارشد از بیش از ۰۶ کشور جهان (که ۲۳ تن از آنان قاضی القضاة کشورهایشان بودند)، را شاهد بودیم تا نقش قوه قضاییه را برای بهبودی بخشیدن به حکومت قانون در زمینه توسعه پایدار و محیط زیست، به بحث گذارند. حاصل نشست مذکور، تأیید و تأکید همه شرکت‌کنندگان بر نقش اساسی قوه قضاییه در حفاظت از محیط زیست بود که می‌تواند از طریق تفسیر، توسعه، الزام و اجرای قوانین محیط زیست، با توجه به مفهوم «توسعه پایدار»، ایفا

شود. توسعه پایدار، شکلی از توسعه یا پیشرفت است که موجب برآوردن نیازهای نسل فعلی بشر شود بدون آن که به توانایی نسلهای بعدی در تأمین نیازهای خود در این کره خاکی، لطمه زند. اگر بخواهیم حداقل در بین کشورهای در حال توسعه، که ایران نیز در همین گروه جای دارد، به معرفی نمونه ای از یک نظام قضایی پردازیم که با رویه ای که ایجاد کرده، نقش چشمگیری در حفاظت از محیط زیست، نقش چشمگیر و ابتکاری داشته، با اطمینان می توان از قوه قضاییه هند نام برد. در ادامه مقاله به تحلیل و تبیین برخی از فرازهای این نقش می پردازیم، به امید آن که شاهد ایفا ی نقش فعالتری از سوی قوه قضاییه کشورمان نیز در این خصوص به ویژه با توجه به مسائل پیش آمده اخیر در مورد آلودگی هوای تهران و برخی دیگر از کلانشهرهای ایران، که بار دیگر اهمیت و ضرورت بکارگیری از تمامی تمهیدات تشویقی را در حفاظت از محیط زیست یادآور شد، باشیم.

محاكم هند و حفاظت از محیط زیست

هند گرچه از نظر نظام حقوقی در بین گروه کشورهای حقوق عرفی (common law) جای دارد، اما در حال حاضر در بسیاری زمینه ها دارای حقوق نوشته و قوانین مصوب پارلمان است که از جمله می توان به قوانین محیط زیست آن کشور از قبیل «پیشگیری و کنترل آلودگی آب» مصوب ۴۷۹۱، «پیشگیری و کنترل آلودگی هوا» مصوب ۱۸۹۱ و «حفاظت محیط زیست» مصوب ۶۸۹۱، اشاره کرد. با این وجود محاکم هند در حفاظت از محیط زیست تنها به آن قوانین خاص متکی نبوده و از اصول قانون اساسی و احکام مسئولیت مدنی نیز در این زمینه، استفاده شایانی به عمل آورده، تا آنجا که می توان گفت که یک نظام حقوقی جدیدی را در حفاظت از محیط زیست آن کشور، بنا ساخته اند!

قانون اساسی

قانون اساسی هند مصوب ۶۲ نوامبر ۹۴۹۱ که در ۶۲ ژانویه ۵۹۱- لازم الاجرا شد، حاوی اصول مهمی در باره حفاظت از محیط زیست است که با اعمال چهل و دومین اصلاحیه بر قانون مزبور در سال ۶۷۹۱، در آن مجموعه جای گرفته است. در واقع این اصلاحیه در پاسخ به «اعلامیه استکهلم» شکل گرفت که در جریان «کنفرانس بین المللی محیط زیست انسان» در سال ۲۷۹۱ در استکهلم (سوئد)، به تصویب رسیده بود.

اصل اول اعلامیه استکهلم حاکی از آن است که بشر دارای حقوق بنیادین (fundamental rights) مربوط به آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی است که به وی اجازه دهد که یک زندگی شرافتمندانه ای را سپری کند. دو اصل جدیدی که در فرآیند اصلاحیه اشاره شده، به قانون اساسی هند اضافه شد یعنی اصلهای ۸۴-آ و (جی)-۱۵، حمایت از محیط زیست و بهبود بخشیدن به آن را از جمله وظایف حاکمیت

و شهروندان آن کشور قرار داد.

اصول ۲۳ و ۶۲۲ از همان قانون نیز دیوان عالی (supreme court) و دادگاه‌های عالی ایالتی‌قدر می‌سازد تا احکامی که در حقوق عرفی معمول است ۲ را برای جلوگیری از تجاوز به حقوق شهروندان به کار برند. گذشته از اصول یاد شده، اصل ۱۲ قانون اساسی هند نیز که در بخش «حقوق بنیادین» جای دارد، در شناسایی محیط زیست سالم به عنوان حق بشر، مورد استناد محاکم هند قرار گرفته که در بخش بعد، نحوه استدلال دادگاه در این خصوص ذکر شده است. طبق اصل ۱۲: «هیچ فردی را نمی‌توان از زندگی و آزادی شخصی اش محروم کرد مگر وفق قانون».

آرای قضایی

دیوان عالی هند، در ضمن آرای بسیار محکم و مستدل خود، همان طور که قبلاً اشاره شد، حق بشر به داشتن محیط زیست غیر آلوده را بخش اساسی و بنیادین حقوق این کشور دانسته و صریحاً اعلام کرده که حق حیات بشر، موضوع اصل ۱۲ قانون اساسی آن کشور، صرفاً شامل یک حیات حیوانی نیست بلکه منظور زندگی شرفتمندانه‌ای است که مطابق شأن انسان باشد و طبعاً تحقق چنین حقی منوط به برخورداری از محیط زیستی سالم و تحت کنترل از نظر آلودگی، خواهد بود. دیوان مزبور برای مقابله با آلوده کردن محیط زیست و نیز استیفای حقوق آسیب دیدگان، آنجا که لازم دیده حتی برخی از قواعد و احکام نظام حقوق عرفی را تغییر داده است! به عنوان مثال در جریان رسیدگی به پرونده نشت گاز سمی از کارخانه شریرام (Shriram Industry) در ۵۸۹۱، در شهر دهلی که منجر به کشته شدن یک نفر و بیمار گشتن تعدادی دیگر شد، دیوان عالی هند تئوری «مسئولیت سخت (strict liability)» - که طبق آن اگر کسی برای غرض شخصی، شیئی را در زمین خود نگهداری و جمع‌آوری کند، چنان چه آن شیء با فرار از آنجا، ضرری متوجه کسی کند، او مسئول جبران زیان‌های وارده خواهد بود - را چون دارای استثنائاتی بود که مسئولیتی متوجه زیان‌رساننده نمی‌کرد، رد کرد و به جای آن اصلی جدید به نام «مسئولیت مطلق (absolute liability)» را معرفی نمود. مفاد اصل جدید بیانگر آنست که کسی که فعالیت‌های موجب آلودگی محیط زیست شده باید جبران کلیه خسارات جانی و مالی را بر عهده گیرد و این که وی تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع چنین حادثه‌ای را انجام داده و اهمالی از او در این باره سر نزده بوده است، دفاع موجهی در عدم پرداخت خسارات وارده، محسوب نمی‌شود! جبران خسارات ناشی از نشت گاز سمی MIC از کارخانه یونیون کارباید (Union Carbide Corporation) در شهر بوپال هند، در دسامبر سال ۴۸۹۱، و منجر به کشته شدن حدود سه هزار نفر و مصدوم شدن ده‌ها هزار نفر از اهالی منطقه شد نیز طبق اصل مسئولیت مطلق به عمل آمد.

اما نکته مهمی که در ارتباط با دعاوی زیست محیطی در هند باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد آنست که بیشتر دعاوی مزبور از طریق «دادخواهی به نفع عموم» (public interest litigation) به دادگستری آن کشور راه پیدا کرده و به واسطه آن، قوه قضاییه هند توانسته است تا روند تخریب و آلودن محیط زیست توسط صنایع اعم از دولتی و خصوصی را تا حد قابل توجهی کنترل کند. به عبارت دیگر هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی می تواند برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند، گرچه خود به عنوان شاکی خصوصی جزو ستمدیدگان و متضررین اصلی نباشد. همین امر باعث شده که به موازات ارتقاء نقش مثبت دادگستری هند، نقش اشخاص حقیقی و حقوقی نیز در حفاظت از محیط زیست به ویژه برای کمک به افراد تهیدست و مستضعف که تظلم و دادخواهی برایشان با مشقتی همراه است که معمولاً باعث می شود از آن صرف نظر کنند، اهمیت والایی پیدا کند. حسن دیگر این تجویز آنست که اگر واحدهای اجرایی تابع قوه مجریه که باید به مبارزه با فعالیت های مخرب و آلوده کننده محیط زیست بپردازند، از انجام دقیق وظایفشان غفلت کنند، شهروندان خود بجای آنها وارد عمل می شوند و از دستگاه قضایی کشورشان، دادخواهی می کنند. جالب آن که دیوان عالی هند، در صورت ضرورت، حتی از اعمال قوانین خاص مربوط به محیط زیست صرف نظر کرده و با استناد به حقوق بنیادین شهروندان، مصرح در قانون اساسی آن کشور، به صاحبان حرف متذکر شده است که آزادی عمل آنان طبق آن قوانین خاص، باعث مجاز بودن فعالیت هایشان که مخرب محیط زیست باشد، نیست زیرا داشتن محیط زیست سالم، حق بنیادین هر فرد و نیز بخشی از حقوق اساسی آن کشور است و از این رو قانون عادی نمی تواند زایل و ضایع کننده حقوق بنیادین شهروندان باشد.

به عبارت دیگر، قوه قضاییه هند با احکامی که در خصوص دعاوی زیست محیطی صادر کرده، در پی تفهیم این معنی است که هر برداشتی از سوی قانونگذار یا عوامل اجرایی از «حق حیات بشر» به عمل آید که از سویی باعث افزایش کیفیت زندگی مردم در یک محیط زیست تمیز و سالم نشود و از سوی دیگر متجاوزین و آسیب زندگان به محیط زیست، معذور تلقی و از جبران خساراتی که به مردم و محیط زیست وارد کرده اند، معاف گردند، این امر اصل ۱۲ قانون اساسی آن کشور را پوچ و بی خاصیت کرده است.

دادگستری هند بارها دستگاههای متولی حفاظت از محیط زیست را با مشاهده ضعف عملکردشان، مورد نکوهش قرار داده و خواستار انجام اقدامات لازم برای جبران خسارات وارده به مردم و محیط زیست شده است. امری که تا کنون مشابه آن در کشورمان، ایران، با این همه مشکلات ناشی از آلودگی محیط زیست و هزینه های جانی و مالی که به سرمایه های ملی وارد می سازد، رخ نداده است!

از جمله پرونده‌هایی که در این زمینه در بایگانی قضایی هند وجود دارد، پرونده ای مربوط به شکایت اهالی ایالت تامیل نادو (Tamil Nadu) از نحوه تخلیه فاضلاب کارگاه‌های دباغی آن منطقه است. دادگاه از این که مسئولان ایالتی به موقع هیأت‌های نظارت، موضوع بند سوم از ماده ۳ قانون حفاظت محیط زیست مصوب ۱۹۸۶، را در منطقه تشکیل نداده بودند، اظهار تأسف می‌کند و به دولت مرکزی دستور می‌دهد تا هویت تمامی آسیب‌دیدگان، آسیب‌زندگان، و مبلغی که باید بابت جبران خسارت پرداخت شود را مشخص سازد. همچنین مسببان آلودگی را به تحمل هزینه‌های بازگرداندن وضع موجود به وضعیت سابق محکوم می‌کند.

نگاهی به عملکرد قوه قضاییه ایران در حفاظت از محیط زیست

بهره‌گیری از قوانین و مقررات مربوط

قانون اساسی ایران حاوی اصولی است که به طور مستقیم و غیر مستقیم به حفاظت از محیط زیست مربوط می‌شود یا برای حفاظت از آن قابل استفاده و استناد است. اصل ۵۰ قانون اساسی صریح‌ترین حکم قانونگذار اساسی در این زمینه است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» «در اصول دیگری از قانون مزبور، حقوق اساسی آحاد ملت تضمین و سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق و تأمین آن حقوق، وظیفه حکومت دانسته شده است به طوری که مفاد این اصول چرخه‌ای به وجود آورده که از سویی پیش‌نیاز تحقق بسیاری از حقوق یاد شده «محیط زیست سالم» است و از سوی دیگر عمال صحیح آن سیاستها، مآلاً به حفظ محیط زیست از خرابی و آلودگی می‌انجامد. اهم اصول اشاره شده و احکامی که در بر دارند عبارتند از: «زبان حقوقی به «منع سوء استفاده از حق» یاد می‌شود، استوار کردن اقتصاد کشور برای تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله خوراک، بهداشت و درمان و نیز ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادگی او و تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی (اصل ۳۴ و بندهای ۱ و ۹)، حمایت از مالکیت در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی تا جایی که موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود (اصل ۴۴)، اداره انفال از جمله معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، جنگل‌ها و بی‌شبه‌های طبیعی، بر طبق مصالح عامه (اصل ۵۴)، ممنوع بودن سلب امکان کسب و کار از دیگری به عنوان اعمال مالکیت نسبت به کسب و کار خود (اصل ۶۴)، حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت توسط دادگاه‌های دادگستری (اصل ۱۶) و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و تحقق بخشیدن به عدالت، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و نظارت بر حسن اجرای

قوانین، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم از سوی قوه قضاییه (اصل ۶۵۱ و بندهای ۲، ۳، ۴ و ۵).

علاوه بر اصول مزبور، قوانین و آیین نامه‌های خاصی نیز برای حفاظت محیط زیست مورد تصویب مجلس قانونگذاری کشور و هیأت وزیران قرار گرفته که اهم آنها عبارتند از قانون شکار و صید مصوب ۶۴۳۱/۳/۶۱ (اصلاحی سالهای ۳۵۳۱ و ۵۷۳۱)، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۳۵۳۱/۳/۸۲ (اصلاحیه ۱۷۳۱)، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۴۷۳۱/۲/۳، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی مصوب ۴۷۳۱/۶/۴۱ و آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۳۷۳۱/۲/۸۱ و نیز فصل بیست و پنجم و ماده ۰۹۶ از فصل بیست و ششم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۵۷۳۱/۳/۲ ضمن آن که اگر قضات، مفاد این تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی را در مخالفت با تأمین هدف اصلی یعنی حفاظت از محیط زیست که در قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است، بیابند طبق اصل ۰۷۱ قانون اساسی موظفند تا از اجرای آن مقررات خودداری کنند. همچنان که در صورت بروز واقعه‌ای که حکم آن در قوانین مزبور بیان نشده یا مفاد آنها دارای اجمال، ابهام، نقص و تناقض باشند، قضات می‌توانند بنا به تجویز اصل ۷۶۱ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۹۷۳۱، با استناد به منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر و اصول حقوقی، با تخریب و آلودگی محیط زیست مقابله کنند. همچنین رعایت و استعمال قواعد فقهی چون قاعده‌های «لا ضرر» و «من له الغنم» (به ضم غین و سکون نون، طبق این قاعده هر که از چیزی فایده می‌برد باید جبران خسارات وارده از ناحیه آن را بر عهده گیرد) نیز به این منظور کارگشا خواهد بود. اما با نگاهی به سابقه قضایی ایران در این خصوص پی می‌بریم که متأسفانه قوه قضاییه کشورمان، علی‌رغم آن که از ساز و کار قانونی لازم و مناسب جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست برخوردار است، مع الوصف تا کنون نتوانسته که به ایفای نقش قابل قبولی در این زمینه که امروزه یکی از بزرگترین دغدغه‌های بشری است، توفیق یابد. گاهی دیده می‌شود که قضات محترم حداقل بجای رعایت نص قانون در حفاظت از محیط زیست، به دفاع از قوه مجریه که آلوده کننده تحت امر آن بوده، برآمده و با این توجیه که مثلاً نصب سیستم جلوگیری کننده از آلودگی محیط زیست یا تغییر محل کارگاه، به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه باعث بیکاری کارگران می‌شود که مشکلاتی برای دولت به بار خواهد آورد، برای مشتکی عنه قرار منع تعقیب صادر می‌کنند! اطلاله در دادرسی و صدور حکم نهایی و نیز تأخیر در اجرای برخی احکام صادره در دعای زیست محیطی، اشکال دیگری است که نظام قضایی کشورمان با آن روبروست در این باره پرونده‌های مربوط به آلودگی محیط زیست توسط صنایع شیمیایی پارچین که با تخلیه مستقیم فاضلاب آلوده به مواد

شیمیایی در رودخانه جاجرو، موجبات آلودگی آب آن رودخانه را که اغلب به مصارف کشاورزی منطقه می‌رسد، فراهم می‌آورد و کارخانجات باتری سازی نیرو که با انتشار سرب حاصل از فرآیند تولید باتری، در سطح وسیعی از هوای منطقه پاسداران تهران، مفر یکی از واحدهای آن کارخانه، موجب آلودگی هوا می‌شد، قابل ذکرند. سازمان حفاظت محیط زیست شکایت خود را از آن دو واحد که وابسته به سازمان صنایع دفاع می‌باشند به ترتیب در سالهای ۶۵۳۱ و ۱۶۳۱، تسلیم مقامات ذی صلاح دادگستری کرده بود! همچنین به شکایتهای اداره کل حفاظت محیط زیست استان تهران از شرکت صنعتی ایران خودرو، به دلیل فعالیتهای بخش ریخته گری آن شرکت که موجب آلودگی شدید هوا و مآلاً تهدید جدی سلامت ساکنان «شهرک دانشگاه» که در مجاورت شرکت مزبور قرار دارد، شده و از مدیر عامل شرکت عمران شهر جدید پردیس واقع در شرق تهران که بزرگترین شهرک خاورمیانه محسوب می‌شود، به دلیل عدم نصب سیستم تصفیه فاضلاب انسانی که منجر به آلودگی زمینهای زراعی و منابع آبی اطراف شده و خصوصاً اهالی ده باغکمیش را با نگرانی شدیدی مواجه کرده است، میتوان یاد کرد.

وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین و...

علی رغم آن که قوه قضاییه کشورمان، حسب اصل های ۱۶ و ۶۵۱ قانون اساسی وظیفه حفظ حقوق عمومی، احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین را بر دوش دارد اما متأسفانه تا کنون در ارتباط با نظارت بر حسن اجرای قوانینی که مربوط به حفاظت از محیط زیست می‌شود، تلاش درخوری نداشته است. از جمله مواد قانونی که نظارت قوه قضاییه بر حسن اجرای آنها، از آلودگیهای محیط زیست به طور قابل توجهی خواهد کاست، ماده ۴۰۱ (بند ۵ از ج) قانون برنامه سوم توسعه است که بر اساس آن هرگونه آلودن هوا توسط موتورسیکلتها و وسائط نقلیه، از سال دوم برنامه، جرم محسوب و مجازات مرتکب، پرداخت ۰۰۵ هزار ریال به عنوان جریمه تعیین شده که پس از یک هفته مجدداً آن مجازات، در صورت عدم تعمیر وسیله، قابل اعمال خواهد بود. آلودن آب نیز وفق ماده ۶۴ از قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۶۳۱/۲۱/۶۱ ممنوع است. همچنین طبق ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۴۳۳۱ با اصلاحات بعدی، شهرداری باید از ایجاد تمام مشاغل و کسبهایی که ایجاد مزاحمت، سر و صدا، تولید دود یا عفونت یا تجمع حشرات و جانوران کند، جلوگیری کند. بند (۶) از ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی ج.ا.ایران مصوب ۴۷۳۱/۶/۴۱ ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماریهای مسری و تخلیه فاضلابهای صنعتی و هر گونه مواد آلاینده در آبهای تحت حاکمیت ج.ا.ایران که باعث خسارت به منابع آبی شود را جرم تلقی کرده است. مواد ۴۸۶، ۶۸۶، ۷۸۶، ۸۸۶ و ۰۹۶ قانون مجازات اسلامی نیز تخریب تاکستان و باغ میوه، شبکه های آب و فاضلاب، قطع و از بین بردن عمدی و برخلاف قانون درختان (موضوع ماده یک قانون گسترش فضای

سبز)، هر گونه اقدام علیه بهداشت عمومی و نیز تخریب محیط زیست و منابع طبیعی را جرم و قابل مجازات دانسته است.

به عنوان مثال در مورد اجرای به موقع قوانین و مقررات مربوط به احداث جایگاه و تولید و عرضه به موقع سوخت، گاز سوز شدن وسائط نقلیه عمومی اعم از اتوبوسها و مینی بوسها ۵ و نیز توقف تولید و ورود موتورسیکلت‌های دو زمانه ۶ که سهم به سزایی در آلودگی هوا دارند، دست اندرکاران قضایی کشور، نظارتی ندارند و عملاً قوه مجریه را در این رابطه فعال مایشاء ساخته اند. در صورتی که دیوان عالی هند، پس از آن که در جریان تعلل دولت در اجرای مقررات مربوط به تبدیل سوخت وسائط نقلیه عمومی از دیزل به گاز فشرده طبیعی (CNG) آن هم به بهانه کمبود اعتبارات، قرار گرفت، مهلت یکساله ای را برای اجرای این امر تعیین کرد و با پایان یافتن مدت مزبور و صورت نیافتن این تبدیل در مارس ۱۰۰۲، در اقدامی قاطع در مرحله اول، تردد اتوبوس های دیزلی (بالغ بر شش هزار دستگاه) در سطح پایتخت (دهلی) که تصدی حمل و نقل عمومی نیز عهده دار بودند، را ممنوع ساخت و جریمه روزانه ۰۰۵ روپیه (واحد پول هند)، که پس از یک هفته به یک هزار روپیه افزایش یافت، را برای تخلف از این دستور و استفاده از هر اتوبوس دیزلی، در نظر گرفت. اقدامی که منجر به عملی شدن نهایی برنامه مزبور در کمتر از شش ماه شد!

نتیجه گیری

دادگاه‌های عالی هند توانسته اند با بکارگیری اصول قانون اساسی کشورشان و قواعد حقوق عرفی، نقش بسیار مؤثری در حفاظت از محیط زیست ایفا کنند به طوری که حتی از ا عمال قوانین خاص محیط زیست مصوب پارلمان، در جایی که منجر به زیر پا گذاشتن حقوق بنیادین شهروندان، مصرح در قانون اساسی آن کشور شود، امتناع کنند! اما رمز حضور آن محاکم در پرونده های مربوط به مشکلات زیست محیطی و نظارت بر فعالیتهای دواير دولتی که متولی حفاظت از محیط زیست کشورند را می توان در مجاز دانستن «دادخواهی به نفع عموم» خلاصه کرد. به این ترتیب دخالت محاکم هندی موکول به طرح شکایت از سوی سازمان محیط زیست آن کشور یا اشخاصی که مستقیماً از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده اند به عنوان شاکی خصوصی، نیست و هر شهروند می تواند برای حفظ منفعت عمومی، با تسلیم دادخواست خود به مراجع قضایی ذی صلاح، بدون آن که نیاز باشد که در جلسه دادگاه حضور یابد، منع هر فعالیتی که مخرب محیط زیست کشورش است را تقاضا کند.

در مقایسه با چنین نقش بدیع و مؤثری که دادرسان هندی در توسعه حقوق محیط زیست کشورشان ایفا و خود را در جهان از این حیث شهره کرده اند، متأسفانه باید اعتراف کرد که قضات ایرانی تا کنون در این زمینه کارنامه قابل قبولی نداشته اند. حال آن که با توجه به مشکلات ناشی از آلودگی محیط زیست در ایران، به ویژه در شهرهای بزرگ، که سلامتی هموطنان را با خطر جدی مواجه کرده و سدی در راه توسعه پایدار کشور است و نیز با عنایت به این که از سویی مهمترین آلوده کننده محیط زیست کشورمان، تأسیسات متعدد دولتی اند که طبعاً به خاطر انتساب به دولت، از قدرت ویژه ای برخوردارند و از سوی دیگر سازمان حفاظت محیط زیست نیز که قانوناً متولی اصلی در مبارزه با فعالیتهای مخرب و آلوده کننده محیط زیست است، خود یک نهاد دولتی محسوب می شود که تحت امر شورای عالی حفاظت محیط زیست قرار دارد که اکثر اعضای آن، طبق ماده ۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۳۵۳۱، عضو هیأت دولت می باشند، شایسته است که قوه قضاییه ایران نیز بسان همتای هندی خود، نقش مؤثرتری در حفاظت از محیط زیست کشور از خود نشان دهد. برای تأمین هدف فوق الذکر، همچنین برای تقویت نقش قوه قضاییه در این باره، که با تعالی حیات بشر رابطه مستقیم دارد، پیشنهادهای ذیل تقدیم می شود:

با استناد به اصول مرتبط قانون اساسی که ذکر شدند از جمله اصل ۰۵، قوه قضاییه کشور می تواند از طرفی کمبودها و نقایص قوانین موجود درباره حفاظت از محیط زیست و برخورد با فعالیتهای مخرب و آلوده کننده را جبران کند و از طرف دیگر، سستی و رخوتی که ممکن است هر از گاهی دامنگیر سیستم اجرایی کشور، در اجرای دقیق قوانین محیط زیست و مبارزه با

فعالتهای مخرب و آلوده کننده آن، شود را با دخالت بجا و صدور آرای مناسب، خنثی سازد. در دعای زیست محیطی، «دادخواهی به نفع عموم» مجاز شناخته شود و به امکان نقش آفرینی مدعی العموم در این رابطه بسنده نشود. در نتیجه هر شخص حقیقی و حقوقی بتواند در برخورد با فعالتهای مخرب و آلوده کنند محیط زیست، گرچه مستقیماً و در ظاهر از آن فعالتهای مخرب متضرر نشده باشد، به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند.

نظارت بر دستگاههای ذی ربط اجرایی باید یک وظیفه جدی برای قوه قضائیه تلقی و در صورت لزوم، ضمن آرای صادره، تذکرات لازم به دستگاههای مزبور برای حسن انجام وظایفی که قانوناً بر عهده دارند، داده شود.

متأسفانه ماده ۶۱ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۴۷۳۱ اختیاری که رأساً سازمان حفاظت محیط زیست به استناد ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۳۵۳۱ در جلوگیری از ادامه فعالیت واحد آلوده کننده، داشت را - حداقل در مورد آلودگی هوا- از آن سازمان سلب کرده است! یعنی قانونی که مقنن پس از بیست سال از قانون قبلی به وضع آن مبادرت کرده و علی القاعده می بایست واجد مقررات شدیدتری بر آلوده کنندگان محیط زیست باشد، نه تنها این گونه نیست بلکه ارفاق یا ارفاقهایی هم در باره آنها روا داشته است. بدین صورت که اولاً، این سازمان حفاظت محیط زیست است که باید برای متوقف کردن فعالتهای کارگاه یا کارخانه ای که هوا را آلوده می کند، به مرجع قضایی مراجعه کند! ثانیاً با مقایسه مفاد ماده ۲۱ از قانون سال ۳۵۳۱ و ماده ۹۲ از قانون سال ۴۷۳۱ در می یابیم که مجازات آلوده کننده از حیث مدت حبس، در قانون جدید تخفیف پیدا کرده است! گرچه قانونگذار با تصویب ماده ۸۸۶ قانون مجازات اسلامی، اشکال اخیر را رفع کرده است، مع ذلک پیشنهاد می شود که مقنن با اصلاح قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، در هر دو موردی که ذکر شد، تجدید نظر کند و اولاً دوباره سازمان محیط زیست را رأساً مجاز به متوقف ساختن فعالتهایی که منجر به آلودگی هوا می شود، کند، ثانیاً مجازات شدیدتری برای آلوده کننده هوا در مقایسه با قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، در نظر گیرد.

لازم است همان گونه که وفق تبصره یک ماده ۰۹۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۰۵ قانون توزیع عادلانه آب، به ترتیب رسیدگی به جرایم مربوط به تخریب محیط زیست و آلوده ساختن آب فوری و خارج از نوبت مقرر شده، در دیگر موارد آلودگی محیط زیست به ویژه آلودگی هوا نیز چنین امتیازی وضع شود. زیرا در حال حاضر محاکم تکلیفی بدین امر، در غیر از مواردی که اشاره شد و نیز موضوع ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در رسیدگی به اعتراض صاحبان کارگاهها یا کارخانه هایی که به دستور سازمان حفاظت محیط زیست از فعالیت بازمانده اند، ندارند. گرچه برخی از نویسندگان حقوقی، مفاد ماده ۰۵ قانون توزیع عادلانه آب را

مجوز دادرسی فوری در دعاوی مربوط به آلوده کردن آب نمی دانند، مع ذلک بخشنامه شماره ۱/۸۷/۵۷۹۲۱ مورخ ۸/۲۱/۸۷۳۱ رییس قوه قضاییه، در رسیدگی خارج از نوبت به دعاوی مربوط به آلوده کردن آبهای عمومی و آب شرب مردم، صراحت دارد.

آموزش‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست باید در بین عامه مردم رواج یابد. آموزش مقدمه فرهنگ سازی است و بدون فرهنگ سازی، پیروی مستمر از قوانین محیط زیست توسط اشخاص، بعید به نظر می رسد. باید این نکته به وجدان عمومی رسد که محیط زیست صرفاً محدود به رابطه انسان با طبیعت نیست بلکه رابطه انسان با هم‌نوعش را هم در برمی گیرد و لذا حفاظت از محیط زیست و اجتناب از تخریب آن، به مثابه حفاظت از سلامتی هم‌نوعان و حتی نزدیکترین و عزیزترین افرادشان به شمار می رود. چنان چه درسی تحت عنوان «آموزش محیط زیست» در دوره‌های مختلف آموزش عمومی گنجانده شود ۸ و وسایل ارتباط جمعی به ویژه صدا و سیما ۹ نیز از تبلیغ در این راه به طریق مؤثر، دریغ نکنند، موفقیت قابل توجهی در ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست، دست خواهد داد. در این صورت، حتی شاهد آن خواهیم بود که در جریان انتخابات سیاسی - اجتماعی مانند انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شوراهای اولویت‌های زیست محیطی داوطلبان، نقش مؤثری در کسب آراء مردم، ایفا خواهد کرد.

در قوانین جدیدی که وضع می شود یا در آئین نامه‌های اجرایی آنها، باید به گونه‌ای راه برای حضور افراد محلی و نیز سازمانهای غیر دولتی در جلسه‌های مهم تصمیم‌گیری در مورد حفاظت از محیط زیست هموار شود تا بیش از پیش خود را در این زمینه مسئول یابند و در مواقع غیره منتظره به کمک مأموران دولتی بشتابند.

فاضلاب و زباله‌های خانگی (نحوه جمع‌آوری، ذخیره‌کردن، مصرف و بازیافت آن) ۱۰، مواد شیمیایی و آلودگی‌های آب، صدا و نور باید مستقلاً در حیطه کاری قانونگذار قرار گیرد تا سیاستی مشخص و کارآمد، در جهت حفظ سلامت محیط زیست و مردم، در مورد آنها اعمال شود. همچنین تا امروز قانونی که به طور مستقل و جامع به مسئله «تغییرات اقلیمی» و حفاظت از «تنوع زیستی»، بپردازد، وضع نشده با آن که ایران به این دو کنوانسیون بین‌المللی که در اجلاس ریو در سال ۲۹۹۱ به تصویب رسیده، ملحق شده است. (گرچه به طور پراکنده و محدود، مقرراتی در این باره وجود دارد)

تأسیس دادگاههای تخصصی محیط زیست که صلاحیت کامل و انحصاری در حل و فصل دعاوی مربوط به محیط زیست (حقوقی و کیفری) داشته باشند، کمک شایانی به تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌های تشکیل شده در این زمینه و مهمتر از آن به داشتن قضاوتی صحیح و علمی در مورد آنها، خواهد بود.

فهرست منابع

1. Bernie P Boyle A International Law and the Environment Oxford University Press Oxford England 2991
2. Black HC Blackشs Law Dictionary West Publishing Co Minnesota USA 3891
3. Ball S Bell S Environmental Law Universal Law Publishing Co Delhi India 6991
4. Kiss A Shelton D International Environmental Law Transnational Publishers Inc New York USA 1991
5. Shastri SC Environmental Law Eastern Book Company Lucknow India 2002
6. Programme for the Further Implementation of Agenda 12 GA Res/S-91/2 7991 Clause 4
7. Situ Y Emmons D Environmental Crime Sage Publications New Delhi India 0002
8. JaswalParamjit S Jaswal N Environmental Law Pioneer Publications Delhi India 0002
9. Times of India India available at www.time-so-find-ia.com
10. VasakKarel A Thirty-Year Struggle the Sustained Efforts to Give Force to the Universal Declaration of Human Rights the UNESCO Courier Paris France Nov 7791
11. Rich Roland Solidarity Rights Give Way to Solidifying Rights Dialogue Vol 12 Academy of Social Sciences Australia 2002
12. Thorme Melissa Establishing Environment as a Human Right Denver Journal of International Law Policy Vol91 USA 1991
13. Boyle A The Role of International Human Rights Law in the Protection of the Environment in Boyle A Anderson M eds Human Rights Approaches to Environmental Protection Clarendon Press Oxford England 8991
14. Kurukulasuriya L The Role of the Judiciary in Promoting Environmental Governance Yale Center for Environmental Law and Policy New Haven USA 3002
15. Brundtland G Harlem Our Common Future: Report of the World Commission on Environment and Development Oxford University Press New York USA 7891
16. Anderson Michael R Individual Rights to Environmental Protection in India in Boyle A Anderson M eds Human Rights Approaches to Environmental Protection Clarendon Press Oxford England 8991

17. Thakur K Environmental Protection Law and Policy in India Manav Law House Allahabad India 9991
 18. Pandey J N Constitutional Law of India Central Law Agency Allahabad India 6991
 19. Singh G Environmental Law Lawman Ltd New Delhi India 5991
 20. Leelakrishnan P Environmental Law Butterworths Ltd New Delhi India 9991
 21. Divan ShRosencranz A Environmental Law and Policy in India Oxford University Press New Delhi Branch New Delhi India 1002
۲۲. مهاجری، علی، دادرسی‌های خارج از نوبت در امور کیفری، مجمع علمی فرهنگی مجد، تهران، ۰۸۳۱
۲۳. مهاجری، علی، رسیدگی‌های خارج از نوبت در محاکم عمومی، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۸۷۳۱
۲۴. مجموعه قانون مجازات اسلامی، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، تهران، ۰۸۳۱.
۲۵. مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۶۷۳۱